

## تأثیر سنت‌های عاشورایی حاکمان در گسترش تشیع در ایران (۶۵۶-۹۰۷ ق)

\* محمدعلی رحیمی ثابت

\*\* محسن الویری

\*\*\* سیدعلی رضا ابطحی

[تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۹؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۱]

### چکیده

شناسایی سنت‌های عاشورایی در میان حاکمان، به عنوان بخشی از طبقه نخبه جامعه، در مقطع مهم تاریخی ۶۵۶ق (سال سقوط بغداد و خلافت عباسی) تا ۹۰۷ق (تأسیس دولت صفویه)، با هدف کشف میزان تأثیر این سنت‌ها بر رشد و گسترش تشیع، بسیار مهم است؛ زیرا تأثیرگذاری این قشر در ترویج و همگانی کردن سنت‌های عاشورایی در میان مردم، از دیگر نخبگان بیشتر بوده است. با بررسی متون تاریخی این مقطع زمانی و با یاری گرفتن از مقوله «آیین» به عنوان چارچوب مفهومی بحث، در مجموع می‌توان به چهار سنت دست یافت: «تفکر اولویت سادات حسینی برای خلافت و حکومت»، «ادعای خونخواهی اهل بیت»، «سنت وقف و ذکر نام ائمه اطهار در آن» و «زیارت کردن حاکمان از مراقد ائمه اطهار». همچنین می‌توان از همراه شدن این سنت‌ها و تناسب آن با تحولات فرهنگی و اجتماعی این دوران یعنی گسترش فعالیت سیاسی - اجتماعی شیعیان پس از حمله مغولان، میل و گرایش بعضی از حاکمان به تشیع و نزدیکی تصوف و تشیع، موجبات سرعت گرفتن رشد و گسترش تشیع را در محدوده جغرافیایی، تمدنی و فرهنگی ایران نتیجه‌گیری کرد و از این منظر، شناخت جدیدی از تاریخ اجتماعی و سبک زیست اجتماعی شیعیان ایران در تعامل با سنت‌های عاشورایی حاکمان به دست آورد.

**کلیدواژه‌ها:** سنت‌های عاشورایی، حاکمان، تشیع، ایران، تأسیس صفویه.

\* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. Rahimisabet1358@gmail.com

\*\* دانشیار مدعو گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول). Alvirim@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. Abtahi1342@yahoo.com

## مقدمه

نهضت عاشورا و قیام امام حسین(ع) در محرم ۶۱ق تأثیر عمیق و بسزایی بر رشد و شکل‌دادن به مذهب تشیع در تاریخ اسلام گذاشت و اساساً مذهب تشیع و شیعیان پیوندهای عمیقی از جنبه‌های گوناگون با قیام عاشورا و ارزش‌های نهفته در آن دارند؛ به همین جهت بررسی این موضوع از منظرهای مختلف همواره تازگی خاص خود را دارد و علی‌رغم کارهای بسیار در این زمینه، باز هم زوایای نوی وجود دارد که بررسی آنها می‌تواند منجر به کشف حقایقی جدید در این موضوع شود.

نکته مهم دیگری که باید به آن توجه کرد، پویایی و تأثیرگذاری مستمر قیام عاشورا و ارزش‌های نهفته در آن در میان جوامع مختلف اسلامی به‌ویژه شیعی است، به طوری که هرچه از قیام عاشورای حسینی فاصله می‌گیریم، نه قهرمانان این نهضت فراموش می‌شوند و نه اهداف و ارزش‌هایی که مد نظر آنان بوده است، رنگ می‌بازد، بلکه روز به روز بر عظمت و غنای آن افزوده می‌شود تا جایی که شاهد شکل‌گیری فرهنگی خاص به نام فرهنگ عاشورایی در میان مسلمانان به‌ویژه شیعیان هستیم که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن، دارای ریشه‌هایی مشترک است؛ چراکه با مطالعه این فرهنگ عاشورایی، این فکر به ذهن تبادر می‌کند که منشأ آن در واقع سیره اهل بیت برای زنده نگه‌داشتن قیام عاشورای امام حسین(ع) است که می‌توان آن را پس از تتبع در منابع حدیثی و روایی، در این چهار شیوه معرفی کرد: «الف) تبیین جایگاه ویژه امام حسین(ع) نزد خداوند متعال و ائمه اطهار، ب) خطبه‌های بیان شده در تبیین اهداف عاشورا و مظلومیت امام حسین(ع)، ج) تشویق به بکا و عزاداری برای آن حضرت، د) تشویق شیعیان جهت ترغیب به زیارت مرقد خامس آل‌عبا(ع)» (الویری و رحیمی ثابت، ۱۳۸۹: ۵۴).

در واقع این چهار سیره اصلی نقل‌شده از اهل بیت در طی سال‌های متمادی به واسطه عمل و ترویج طبقات نخبگانی جامعه و نیز پذیرش و اهتمام طبقات مختلف مردم عادی در بستری از آیین‌های عرفی و باستانی منجر به شکل‌گیری فرهنگی عاشورایی شد که در گذر زمان و متناسب با شرایط و اقتضائات اجتماعی و سیاسی هر منطقه موجب پدیدآمدن آداب و رسوم و آیین‌های عاشورایی خاص همان منطقه و جامعه شد که مجموعه آنها را می‌توان سنت عاشورایی نامید.

بنابر آنچه گفته شد منظور از سنت در اینجا مفهومی فراگیر و دربردارنده تمامی رفتارها و باورهایی است که خود را در اعمال، طرز فکر، هنجارها و برداشت‌های از آنها نشان می‌دهد؛ بنابراین وقتی سنت به این مفهوم، به حاکمان نسبت داده می‌شود، مراد مجموعه سیاست‌ها، برنامه‌ها، تصمیم‌ها، فرمان‌ها و اقداماتی است که حاکمان در پیوند با امام حسین(ع)، عاشورا و کربلا در پیش گرفته‌اند و انجام داده‌اند؛ پس واژه عاشورا نیز به مفهومی گسترده‌تر از روز دهم محرم به کار رفته است و به صورت نمادین شامل همه مباحث مربوط به امام حسین(ع)، کربلا و قیام سیدالشهدا و یارانش می‌شود.

در مقاله حاضر دو پرسش اصلی بررسی می‌شود: سنت‌های عاشورایی حاکمان در مقطع برافتادن عباسیان تا برآمدن صفویان (۶۵۶-۹۰۷ ق) چیست؟ و این سنت‌ها چه تأثیری در گسترش تشیع داشته‌اند؟ با بررسی و مطالعه منابع کهن این دوره با محوریت متون تاریخی و از برابند گزارش‌های متعدد موجود در این منابع و کمک‌گرفتن از چارچوب مفهومی «آیین»<sup>۱</sup> از مباحث مطرح‌شده در مردم‌شناسی دین، می‌توان بر اساس تحلیلی گونه‌شناختی به چهار سنت مورد اهتمام حاکمان و امیران در این دوران دست یافت: ۱. تفکر اولویت سادات حسینی برای خلافت و حکومت؛ ۲. ادعای خونخواهی اهل بیت، به‌ویژه امام حسین(ع)؛ ۳. سنت وقف و عمارت و آبادانی در عتبات عالیات و ذکر نام ائمه اطهار در وقف‌نامه‌ها؛ ۴. زیارت مراقد ائمه اطهار.

باید توجه داشت که این موضوع قطعاً پژوهشگران را از شناخت سنت‌های عاشورایی در میان توده‌های مردم عادی و دیگر گروه‌های نخبه بی‌نیاز نمی‌کند و حتماً بررسی آن در پژوهش‌های مستقل در تکمیل پازل شناخت سنت‌های عاشورایی این مقطع تاریخی ضروری است؛ اما از آنجا که به نظر می‌رسد سنت‌های عاشورایی حاکمان در مقایسه با دیگر گروه‌های نخبه آن عصر یعنی علما، عرفا، صوفیان و شاعران،<sup>۲</sup> بیشترین تأثیر را از لحاظ اجتماعی بر توده‌های مردم گذاشته است، شناخت سنت‌های عاشورایی در میان آنان از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. شاید این حدیث شریف «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»<sup>۳</sup> (ابن شعبه، ۱۳۶۳: ۲۰۸) به‌خوبی گویای اهمیت بررسی سنت‌ها و آیین‌های عاشورایی در میان حاکمان باشد.

روش کار و شیوه در نظر گرفته شده برای تحلیل چهار سنت گفته‌شده، استفاده از چارچوب مفهومی آیین است؛ چراکه سنت‌ها و آیین‌ها بخش قابل توجهی از دین را به خود اختصاص می‌دهند و از این جهت آیین‌ها ابزاری برای برقراری تعامل نظام‌های فرهنگی و اجتماعی‌اند؛ پس شناخت مقوله آیین و تجزیه و تحلیل آن در جوامع انسانی و فرایند شکل‌گیری و نحوه عمل آن در میان گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی، پژوهشگران تاریخ اجتماعی را در فهم آیین‌ها و سنت‌هایی که در جوامع مختلف شکل می‌گیرند و رشد می‌کنند یا ترویج و تبلیغ می‌شود، یاری می‌رساند.

به همین لحاظ از آنجایی که سنت‌ها و آیین‌ها، تفکر و عواطف دینی را در خود جای می‌دهند و از طرفی، نگاه رسمی دینی و درک دین‌یاران و اندیشه دینی را بازنمایی می‌کنند و از سویی دیگر، با عواطف و هیجانان مردم عادی کوچه و بازار اجرا و بزرگ داشته می‌شوند، هم در فرهنگ نخبگان ریشه دارند و هم در قلمرو فرهنگ روزمره قرار می‌گیرند (رحمانی، ۱۳۹۲: ۲۱). به همین جهت نخبگان - به‌خصوص حاکمان - می‌توانند به نحو مؤثری با استفاده از این سنت‌ها و آیین‌ها، فهم دینی خود را به شکل نمادین و پیوسته، ترویج و تأیید و منتقل کنند و چون در عرصه عقاید و اعمال کنش‌های انسانی جامعه را سامان می‌دهند و عمیق‌ترین و درونی‌ترین ارزش‌های فرهنگی جامعه را به نمایش می‌گذارند، گروه‌های مختلف اجتماعی از نخبگان گرفته تا مردم عادی به فراخور قدرت و نفوذ و شرایطی که بر آنان حاکم است، سعی می‌کنند آیین‌ها و سنت‌های پذیرفته‌شده و مد نظر خود را در جامعه اجرا کنند و ترویج دهند (گیویان، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

این سنت‌های چهارگانه که از آنها به سنت‌ها و آیین‌های عاشورایی حاکمان یاد شد، در حقیقت فرایند «آیینی‌کردن»<sup>۴</sup> امور به دست حاکمان است، که از طریق آن، قدرت مسلط تلاش می‌کند نظام ارزشی و منابع نمادین خود را ترویج کند و خود را به مثابه کانون جامعه جا بیندازد؛ به عبارت دیگر آیینی‌کردن، مجموعه تدابیر فرهنگ مسلط و به تعبیری فرهنگ فرادست<sup>۵</sup> یا فرهنگ رسمی<sup>۶</sup> است که با بهره‌گیری از قدرت نمادین تلاش می‌کند ارزش‌های خود را در فضای عمومی بگستراند و فرهنگ فرودست<sup>۷</sup> یا فرهنگ عامه<sup>۸</sup> را به انقیاد بکشاند یا حتی می‌تواند نقش مانع را هم در مقابله با آیین‌های موجود در میان دیگر گروه‌های نخبه به‌ویژه مردم عادی بازی کند (همان، ۱۸۷).

مطلب دیگری که از اهمیت زیادی برخوردار است بررسی سنت‌های عاشورایی حاکمان در حوزه جغرافیایی، تمدنی و فرهنگی ایران با توجه به نقش مهم این منطقه در تحولات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام، در مقطع تاریخی ۶۵۶-۹۰۷ ق است؛ زیرا پس از حمله سهمگین مغول‌ها به ایران به فرماندهی چنگیزخان که آغاز آن از سال ۶۱۶ ق بود، موجبات تحولی مهم نه تنها در ایران بلکه در جهان اسلام فراهم آمد و در زمانی اندک بخش‌های بزرگی از سرزمین‌های اسلامی زیر سیطره مغولان درآمد و در نهایت هولاکو خان کار جد خود را با تصرف بغداد و کشتن خلیفه در سال ۶۵۶ ق به اتمام رساند و قدرت خلافت را از قسمت بزرگی از دنیای اسلام حذف کرد و شرایط جدیدی از نظر سیاسی و اجتماعی بر سرزمین‌های اسلامی از جمله ایران حاکم شد (منهاج سراج، ۱۳۶۳: ۱۹۹/۲-۲۰۰).

از سقوط بغداد در سال ۶۵۶ تا ۹۰۷ ق که شاه اسماعیل صفوی در اردبیل تاجگذاری کرد، حکومت‌ها و خاندان‌هایی<sup>۹</sup> در مناطق مختلف ایران حکمرانی کردند<sup>۱۰</sup> که بررسی آنها از حیث سیاسی و اجتماعی مهم است؛ اما در بین این حکومت‌ها، حکومت ایلخانان مغول از چند حیث دارای اهمیت بیشتری است: اول آنکه پایان‌بخش مهم‌ترین سلسله خلافت اسلامی است؛ دوم عصر ظهور برخی از حادثه‌های فرهنگی مثل ارج و قرب یافتن تصوف و اموری مانند آن است؛ سوم در نتیجه سیاست تسامح دینی ایلخانان مغول پس از چندین قرن، این مجال برای شیعیان فراهم شد که در عرصه رقابتی برابر بتوانند به دفاع و ترویج عقاید خویش بپردازند؛ چهارم در سایه عدم تعصب و تعهد سیاسی و دینی ایلخانان مغول، کتاب‌های تاریخی فراوانی به نسبت دوره‌های پیشین تألیف شد که از لحاظ دقت و ثبت وقایع و بررسی علل وقوع و نتایج حاصل از آن، از دیگر کتاب‌های تاریخی متمایز بودند (الویری، ۱۳۸۴: ۲۳).

بسیاری از این تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در حکومت‌های جانشین ایلخانان به‌ویژه در دوره تیموریان ادامه پیدا کرد تا جایی که همگامی و تناسب سنت‌های عاشورایی حاکمان با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیش‌آمده در این دوران یعنی گسترش فعالیت سیاسی - اجتماعی شیعیان پس از حمله مغولان، میل و گرایش بعضی از حاکمان به تشیع و نزدیکی تصوف و تشیع، موجبات سرعت گرفتن رشد و گسترش تشیع را فراهم ساخت و زمینه را جهت گرایش عمومی به تشیع - اعم از

امامی یا تشیع حُبّی (سینان دوازده‌امامی) (ر.ک: جعفریان، ۱۳۷۹: ۴۶/۱) - در میان گروه‌های مختلف جامعه هموار کرد (الویری، ۱۳۸۴: ۳۵۸).

به نظر می‌رسد اگرچه مقالات و کتاب‌های گوناگونی درباره موضوع این مقاله منتشر شده است،<sup>۱۱</sup> تا کنون پژوهشی با این نوع نگاه و در این چارچوب مفهومی و درباره این مقطع تاریخی خاص، شکل نگرفته است و مقاله حاضر از این منظر دارای نوآوری است.

در مجموع با توجه به آنچه در مقدمه گفته شد، می‌توان ضمن معرفی سنت‌های عاشورایی چهارگانه حاکمان، تأثیر تناسب این سنت‌ها با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره تاریخی ۶۵۶-۹۰۷ق را بر سرعت‌گرفتن رشد و گسترش تشیع اثبات کرد.

## ۱. تفکر اولویت سادات حسینی برای خلافت و حکومت

موضوع کسب مشروعیت برای حاکمان و حکومت‌ها و این مسئله که چه کسی حق خلافت و حکومت بر مسلمانان را دارد، از جمله مسائلی است که قدمتی به اندازه تاریخ مسلمانان دارد و این مسئله همچنان در بین مسلمانان مطرح است.

خاندان پیامبر گرامی اسلام - صرف نظر از استحقاق الهی امامان برای خلافت در نظر شیعیان امامیه - همواره در نظر مسلمانان شایستگی‌های بسیاری داشتند و مستحق حکومت و خلافت بودند. بر همین اساس گروه‌های مختلفی از جامعه مسلمانان به تناسب شرایط روزگار، هر از چندی به این مسئله توجه نشان می‌دادند و علویان یا طرفداران علویان تلاش‌های زیادی برای کسب خلافت می‌کردند که البته در بیشتر موارد جنبه مردمی داشت و طبقات فرودست مردم در پی یکی از علویان، علم مخالفت و قیام در مقابل حاکمان برمی‌افراشتند که اغلب به سبب قدرت حاکم، به ثمر نمی‌رسید؛ اما از سده هفتم به بعد، خصوصاً پس از حمله مغول، تفکر حق حاکمیت و خلافت علویان و سادات حسینی، از اقلیت شیعیان به میان اکثریت یعنی اهل سنت نیز رخنه کرد و حتی گامی فراتر یافت و مورد توجه نخبگان جامعه و حتی حاکمان قرار گرفت (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲۷۲/۲)؛ زیرا از گذشته تلقی اینکه حرکت امام حسین(ع) در روز عاشورا برای به دست آوردن حکومت بوده است، با استناد به سخنان خود آن حضرت

وجود داشت (طبری، ۱۳۷۸: ۳۵۷/۵) و از این جهت تفکر اولویت و استحقاق فرزندان امام حسین(ع) برای کسب خلافت و حکومت در اذهان موجود بود و زمینه را برای گسترش تشیع از بُعد فکری و عملی فراهم می‌کرد.

شاید سلطان محمد خوارزمشاه از نخستین نمونه‌های بارز باشد و از این حیث که پیش از نابودی نهاد خلافت رسمی و پذیرفته شده عباسیان به دست مغولان است، جالب توجه است. سلطان محمد خوارزمشاه در پی جاه‌طلبی‌هایش و در پی اختلاف با خلیفه عباسی الناصر لدین‌الله خصوصاً پس از برملا شدن نامه خلیفه به سلاطین غور و تحریک آنان برای حمله به خوارزم، تصمیم گرفت یکی از سادات حسینی (سیدعلاءالدین ترمذی) را به جای عباسیان در بغداد بر مسند خلافت بنشانند (علاءالدین جوینی، ۱۳۸۵: ۱۲۰/۲)؛ هرچند تلاش وی بی‌ثمر گشت، اما وجود چنین تفکری در میان نخبگان قدرتمند - یعنی اولویت سادات حسینی نسبت به دیگر هاشمیان حتی مثلاً سادات حسنی یا علوی غیرفاطمی برای حکومت - می‌تواند نشان‌دهنده نوعی سنت به جا مانده از سیره پیامبر(ص) در بزرگداشت اهل بیتش به‌ویژه سیره ائمه اطهار برای زنده نگه‌داشتن قیام عاشورای امام حسین(ع) باشد؛ چنان‌که در منابع روایی، احادیثی وجود دارد که به این مطلب اشاره می‌کنند؛ مانند روایتی که می‌گوید خدوآند متعال در قبال شهادت امام حسین(ع)، امامت را - که یکی از جلوه‌های آن خلافت و حکومت است - در ذریه ایشان قرار داده است.<sup>۱۲</sup> گرچه مصادیق امامان در ذریه امام حسین(ع) برای شیعیان امامیه مشخص است، وجود چنین روایاتی به اضافه برداشتی که از قیام عاشورای امام حسین(ع) در میان منابع فریقین وجود دارد، به نوعی زمینه را برای به وجود آمدن تفکر اولویت و استحقاق سادات حسینی برای خلافت و حکومت در میان نخبگان حاکم و تبدیل شدن آن به سنتی عاشورایی آماده کرد که خود را در اموری مانند ابزار ارادت به اهل بیت پیامبر خدا(ص) یا حتی گرویدن به آنان و اعلام تشیع و در نتیجه خواندن خطبه و ضرب سکه به نام ائمه اطهار نشان داد که می‌توان به نمونه‌هایی از آن در گزارش‌های تاریخی دست یافت؛ مانند گزارش کتاب مجمع‌الأنساب از اعلام حق امامت و خلافت برای فرزندان امام حسین(ع) و خواندن خطبه و ضرب سکه به نام آنان در حکومت سلطان محمد خدابنده (اولجایتو):

و چون میل پادشاه اولجایتو به رسول الله و فرزندان او زیادت بود، سادات را در حضرت او کار قوی شد و ایشان را تربیت فرمودی. سیدی بود از شهر ابهر و زنگان او را سیدتاج‌الدین ابهری گفتندی. فرصت یافت و در حضرت پادشاه جهان مذهب ائمه اثنی عشری تقریر کرد و گفت حق امامت، فرزندان حسین راست و امامت خلفای پیش یعنی ابوبکر و عمر و عثمان بر حق نبود و صورت کارهایی که بود همه تقریر داد و پادشاه را مایل به مذهب شیعه علی گردانید و فصلی در مذهب شیعه برداخت و بر پادشاه عرضه کرد. بدان سبب دو سه روزی پادشاه شیعه مذهب شد و فرمود تا در خطبه نام صحابه بیفکنند و در سکه همچنین نام دوازده امام نقش کردند (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲۷۲/۲).

امری که پیش از او غازان‌خان نیز انجام داده بود و حتی دستور داد بود سکه‌های منقش به نام دوازده امام به افراد مورد نظرش هدیه بدهند (فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۸: ۲۸۶). نمونه‌های دیگری از این دست در منابع تاریخی موجود است.<sup>۱۳</sup>

## ۲. ادعای خونخواهی اهل بیت، به ویژه امام حسین(ع)

انتقام از دشمنان اهل بیت به‌خصوص امام حسین(ع) در طول تاریخ اسلام، در میان حاکمان مدعیانی داشته است؛ اما در این مقطع از تاریخ، شاهد دوباره مطرح شدن این موضوع از ناحیه سلاطینی چون غازان‌خان و تیمور هستیم که می‌تواند به انگیزه کسب مشروعیت در قدرت یا عملی خاص مانند مشروعیت حمله به شام یا حتی از روی اعتقاد صورت گرفته باشد؛ اما به هر حال نشان‌دهنده نفوذ اندیشه‌های شیعی و عاشورایی در میان نخبگان حاکم است که ابراز این خونخواهی در میان بعضی از حاکمان این دوره، به صورت سنت و آیینی درآمده بود؛ مانند آنچه نطنزی از تصمیم غازان‌خان پس از شیعه‌شدنش برای حمله به شام در انتقام خون امام حسین(ع) گزارش می‌دهد:

بعد از آن تقلید مذهب اثنا عشریه بکرد و متوجه مشهد متبرک نجف شد. عیار این عقیده که داشت، از شرف صحبت مجاوران آن بقعه شریفه به سکه



تأثیر سنت‌های عاشورایی حاکمان در گسترش تشیع در ایران (۶۵۶-۹۰۷ ق) / ۱۳

یک‌جهتی مسکوک شد و خواست که نخست به جهت انتقام خون حضرت حسین(ع) ممالک شام عالیها و سافلها سازد و بعد از آن سکه و خطبه ممالک ایران را بالکلی به منقبت ائمه معصومه مشرف گرداند. بحمد الله تعالی که در مدت هشتصد سال تمنائی که مجموع سلاطین سلف را در خاطر می‌گردید و متمشی نمی‌شد، حضرت سلطان غازی خلد الله ملکه و سلطانه به تقدیم رسانید و سکه اثنی عشریه بر جبهه درست جعفری بنشانند و حق را به مرکز خود قرار داد (نطنزی، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

تیمور نیز که ادعای ارادت به «آل پیغمبر» و «ذریه آل پیغمبر» داشت (صفا، ۱۳۷۸: ۵۷/۳) به بهانه طلب خون امام حسین(ع) به جنگ با شامیان پرداخت:

رومیان شهید<sup>۱۴</sup> را در زمان تیمور به شرف شهادت مشرف ساختند و حق سبحانه و تعالی نگذاشت که خون شهید بخوابد، تیمور را بر ایشان مسلط کرد به اندک زمانی تا زیاده از صد هزار کس ایشان را به درک اسفل رسانید. اگرچه قصد تیمور در کشتن شامیان طلب خون حضرت امام حسین صلوات الله علیه بود، منافات ندارد که باعث این طلب شیخ شهید باشد و از تاریخ روم ظاهر می‌شود که امیر تیمور شیعه بوده است و از نصایح الملوک که خود از جهت فرزندان خود نوشته است، تشیّعش ظاهر می‌شود و الله تعالی يعلم (مجلسی، ۱۳۷۳: ۳۴۵/۲).

### ۳. سنت وقف و عمارت و آبادانی در عتبات عالیات و ذکر نام ائمه اطهار در وقف‌نامه‌ها

یکی از سنت‌ها و آیین‌های رایج در سده‌های گذشته که برگرفته از فرهنگ اسلامی است، سنت وقف بوده است. افراد مختلف جامعه اسلامی به‌خصوص نخبگان متمکن و حاکمان در قالب کارهای عمرانی و خیر دست به این کار می‌زدند. وقف برای آستان حرم ائمه به‌ویژه عتبه مقدسه حسینی، نمود بیشتری داشته است.

می‌توان ادعا کرد علت اهتمام نخبگان حاکم در دوره‌های مختلف به آبادانی حرم‌های شریف ائمه اطهار، وجود پشتوانه‌های انگیزشی و عقیدتی بوده است که در

قالب سنت وقف خود را نشان داده است؛ البته باید توجه کرد با وجود پشتوانه‌های انگیزشی و عقیدتی مشترک در میان حاکمان در مورد آبادانی مکان‌های مقدس، می‌توان به نشانه‌هایی از وجود ویژگی‌های انگیزشی و عقیدتی مختص به عتبه مقدسه حسینی دست یافت؛ چراکه آن حضرت بنابر روایات و سیره ائمه، از جایگاه ویژه‌ای نزد خداوند متعال و پیامبر اکرم به جهت ماندگاری قیام عاشورا برخوردار است<sup>۱۵</sup> و این بی‌ارتباط با چگونگی شهادت امام حسین(ع) و تأکید بر مظلومیت و تشنگی ایشان در هنگام شهادت<sup>۱۶</sup> و مسئله آب<sup>۱۷</sup> در سیره اهل بیت نیست؛ امری که نمی‌تواند در نیت حاکمان واقف مغفول باشد.

اموری مثل تعیین مقرری سالیانه برای برگزاری مراسم عاشورا به دستور غازان‌خان (فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۸: ۲۱۲)، ساخت بناهایی در حرم حسینی به دست حاکمان جلابری (الویری، ۱۳۸۴: ۲۴۳) و آب‌رسانی و جاری‌ساختن نهر در سرزمین خشک کربلا و رساندن آن به حرم امام حسین(ع) به دستور غازان‌خان، نمونه‌هایی است که در منابع تاریخی به آن اشاره شده است:

و از آن جمله آنچه معظم‌ترست و در آن خیری تمام نهری به‌غایت بزرگ است که در ولایت حله جاری فرموده و نامش نهر غازانی اعلی‌نهاده و آن آب را به مشهد مقدس امیرالمؤمنین حسین(ع) برده و تمامت صحراهای دشت کربلا که بیابان بی‌آب بود و در مشهد جهت خوردن آب شیرین [نهر] زلال فرات روانه گردانید چنان‌چه این زمان تمامت حوالی مشهد مزروع است و باغات و بساتین را بنیاد نهاده‌اند و کشتی‌ها که از بغداد و دیگر شهرها بر کنار فرات و دجله‌اند به مشهد می‌تواند رفت و قرب صد هزار تغار حاصل آن است و حبوبات و انواع خضر در آنجا بهتر از در تمامت اعمال بغداد می‌آید و سادات که مقیم مشهدند بدان واسطه عظیم مرقه‌الحال شده‌اند و چون ایشان مردم درویش بودند و جمعی انبوه و به‌غایت محتاج تمامت را غله ادرا فرموده و سال به سال به ایشان می‌رسد (فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۸: ۲۰۳-۲۰۴).

گزارش‌های تاریخی دیگری نیز از این دست موجود است که می‌توان با مراجعه به آنها به موارد بیشتری دست یافت.<sup>۱۸</sup>

#### ۴. زیارت حاکمان از مرقد‌های ائمه اطهار

زیارت مرقد ائمه اطهار به‌ویژه مرقد مطهر امام حسین(ع) و نگاه آیینی به آن، سنتی است که از بزرگان دین به ارث رسیده است و در سیره اهل بیت همان‌طور که اشاره شد، بسیار مورد توجه قرار گرفته و بر آن تأکید شده است. رواج چنین سنت و آیینی در میان نخبگان حاکم در مقطع زمانی گفته‌شده، می‌تواند حاکی از گستردگی و اشتراک این سنت در بین توده‌های مردم و دیگر گروه‌های نخبه جامعه باشد. در منابع تاریخی گزارش‌های متعددی وجود دارد که امیران و حاکمان به این سنت عمل می‌کردند؛ مانند آنچه درباره زیارت‌کردن امیران تیمور از مرقد امام حسین(ع) نقل شده است:

و امرا مظفر و منصور با غنایم غیرمحصور مراجعت فرموده بشرف طواف عتبه کعبه احترام حضرت امام عالی‌مقام ابی‌عبدالله حسین بن‌علی المرتضی صلوات الله و سلامه علیهما مشرف گشتند و به درگاه عالم‌پناه شتافته به نوازش بیکران شدند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۵۶/۳).

موارد دیگری از این‌گونه گزارش‌ها مانند زیارت امیرجلال‌الدین دواتدار کوچک از امیران هولاکو (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴۰۱۵/۶) و غازان‌خان (نطنزی، ۱۳۸۳: ۱۲۳) از عتبات، در منابع تاریخی وجود دارد که با اندکی جستجو قابل دستیابی است.<sup>۱۹</sup>

#### ۵. تناسب سنت‌های عاشورایی حاکمان با تحولات فرهنگی و اجتماعی (۶۵۶ تا ۹۰۷ ق)

تأثیر مداوم قیام عاشورای امام حسین(ع) و ارزش‌های نهفته در این قیام که با کمک سیره اهل بیت منتقل و ماندگار شد، در جوامع مختلف مسلمان به صورت سنت‌ها و آیین‌های عاشورایی درآمد که با مقتضیات و خصوصیات مخصوص به خود در میان اقشار مختلف جامعه رشد و گسترش یافت و زمینه را برای تحولات و تغییرات در میان این جوامع در طول سالیان مختلف فراهم آورد.

در واقع می‌توان ادعا کرد اصل وجود سنت‌های عاشورایی و گستردگی آن در این مقطع تاریخی در میان طبقات مختلف مردم، چه نخبگان و چه مردم عادی، خود به عنوان یکی از مؤلفه‌های رشد و گسترش تشیع محسوب می‌شود، به‌ویژه آنکه سنت‌ها و

آیین‌های عاشورایی حاکمان - که بر اساس تحلیلی گونه‌شناختی با کمک چارچوب مفهومی «آیین» شناسایی شده است - به جهت تأثیرگذاری فوق‌العاده‌شان در بین توده‌های مردم، به این رشد و گسترش سرعت بیشتری بخشیدند.

افزون بر آنچه گفته شد، تناسب تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوران، یعنی: ۱. گسترش فعالیت سیاسی - اجتماعی شیعیان پس از حمله مغولان؛ ۲. میل و گرایش بعضی از حاکمان به تشیع؛ ۳. نزدیکی تصوف و تشیع؛ با سنت‌ها و آیین‌های عاشورایی رایج در جامعه آن روزگار به‌خصوص چهار سنت عاشورایی مورد توجه حاکمان، موجب سرعت گرفتن رشد و گسترش تشیع در ایران شد که در گزارش‌های تاریخی منابع این دوره موجود است.

گسترش فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی شیعیان پس از حمله مغولان، که زمینه این فعالیت‌ها قبل از سقوط بغداد بر اثر نفوذ شیعیان در دستگاه خلافت عباسیان فراهم شده بود، در پرتو سیاست تسامح مذهبی مغولان شدت بیشتری یافت و شیعیان توانستند آزادانه به تبلیغ اندیشه‌های خود بپردازند. حضور ابن‌علقی و خواجه نصیرالدین طوسی از نخستین نشانه‌های بهبود وضعیت شیعیان و آزادی عمل آنان است (الویری، ۱۳۸۴: ۳۲۶). حمایت علاءالدین عظاملک بن محمد جوینی (م ۶۸۱ ق) در عهد هولاکو از دانشمندان شیعی، اقدامات غازان به سود شیعیان مانند عمران و آبادانی عتبات عالیات و ساختن دارالسیاده (فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۸: ۲۰۳-۲۰۴)، دعوت سلطان محمد خدابنده از علمای شیعه مانند علامه حلّی و پسرش فخرالمحققین، در دربار خود و فعالیت‌های علمی و آموزشی آنان، انجام بدون مزاحمت شعائر شیعی مثل برگزاری مجالس سوگواری برای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و بستن بازارها به همین مناسبت و توجه ویژه به سادات و شیعیان در زمان اقتدار سلطان ابوسعید ایلخانی (الویری، ۱۳۸۴: ۳۴۲-۳۴۴)، نشان‌دهنده گسترش فعالیت سیاسی و اجتماعی شیعیان و تناسب آن با سنت‌های عاشورایی حاکمان در این دوران است.

میل و گرایش بعضی از حاکمان این مقطع به تشیع در واقع نتیجه ارتباط پیدا کردن بعضی از شیعیان به‌ویژه علما با طبقه نخبه حاکم است؛ زیرا شیعیان در مسیر عمومی‌سازی فرهنگ خود، در عین حفظ اصول و اعتقادات خود و با در پیش گرفتن نگرشی واقع‌بینانه، ارتباطی مسالمت‌جویانه و دوستانه با اهل تسنن برقرار کردند، به

تأثیر سنت‌های عاشورایی حاکمان در گسترش تشیع در ایران (۶۵۶-۹۰۷ ق) / ۱۷

طوری که این نحوه برخورد شیعیان موجب نزدیک‌شدن هر چه بیشتر حاکمان، شاعران و دانشمندان اهل سنت به تشیع بر مدار محبت اهل بیت شد (الویری، ۱۳۸۴: ۳۵۸). شاید نتیجه این تغییر نگرش اهل سنت درباره شیعیان، به وجود آمدن «سنیان دوازده‌امامی» باشد که نوعی خاص از تسنن است که با تشیع امامی جمع شده است. این نوع از تسنن در ایران چنان رشد یافت که بی‌تردید زمینه اصلی پیدایش دولت صفویه را فراهم کرد (جعفریان، ۱۳۸۷: ۸۴۳).

تشیع بعضی از حاکمان ایلخانی و جانشینان آنان (الویری، ۱۳۸۴: ۳۴۲) یا میل و گرایش ادعایی یا واقعی جانشینان تیمور به این مذهب (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۰۲۲/۴)، اعتقاد به محق‌بودن ائمه اطهار برای امامت و خلافت به‌ویژه برای سادات حسینی و شروع به اظهار و اعلام آن از زمان سلطان محمد خوارزمشاه (علاء‌الدین جوینی، ۱۳۸۵: ۱۲۰/۲) و بعدها اذعان غازان‌خان به آن (شوشتری، ۱۳۷۷: ۳۵۴/۲) و سلطان محمد خدابنده (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲۷۲/۲) و حتی ادعای خونخواهی و انتقام از دشمنان اهل بیت و امام حسین (ع) (نظری، ۱۳۸۳: ۱۲۳) متناسب و همگام با میل و گرایش بعضی از حاکمان به تشیع با سنت‌های عاشورایی گفته شده است.

تحولات سیاسی و اجتماعی این دوران فقط در این امور نبود، نزدیکی تصوف و تشیع یکی از بااهمیت‌ترین جلوه‌های اوج‌گیری تشیع در مناطق مختلف جهان اسلام در این مقطع محسوب می‌شود، به طوری که عقاید شیعی در میان نحله‌های مختلف صوفی نفوذ کرد و از آنجا که تصوف در میان اهل سنت رواج بیشتری داشت، به طور طبیعی زمینه گسترش تشیع را فراهم کرد (جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۷/۱)، به‌ویژه اینکه این تحول اجتماعی نزدیکی تشیع و تصوف، متناسب با ارتباط پیدا کردن و نزدیک‌شدن حاکمان این دوران به علمای شیعه و بزرگان متصوفه است (قاشانی، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

در این مقطع علما و صوفیان از جایگاه اجتماعی بالایی در میان اقشار مختلف مردم به‌خصوص حاکمان برخوردار بودند (صفا، ۱۳۵۵: ۴۴) و شواهد تاریخی مختلفی از تأثیر و نفوذ آنان بر حاکمان و احترام سلاطین به ایشان، در منابع این دوره موجود است:

شیخ شرف‌الدین طویل قزوینی سنه اثنی و عشرین و سبعمائة بقزوین به جوار حق رفت. عالمی عامل بود. در رفع تمغاء مسفقات و باغات و حقوق مراعات

قصبه قزوین و مقرری بعضی محترفه که فقرا و مساکین از آن منزعج بودند و در اجرای مهجات آب رودخانه‌ها که ضعفا از آن محروم می‌شدند، سعی بلیغ نمود و پادشاه جهان ابوسعید بهادرخان خلد ملکه التماس او مبذول فرمود و اثر آن خیر بر روی روزگار باقی ماند. شیخ سعدالدین قتلخ خواجه خالدی قزوینی نبیره شیخ نورالدین گیل بود.

غازان‌خان و اکثر مغول بر دست او مسلمان شدند. عالمی عامل متبحر صاحب صفا بود. در محرم سنه ثمان و عشرين و سبعمائه به قزوین درگذشت. هشتاد و اند سال عمر داشت.

شیخ صفی‌الدین اردبیلی در حیات است و مردی صاحب وقت و قبولی عظیم دارد و به برکت آنکه مغول را با او ارادتی تمام است، بسیاری از آن قوم را از ایذا به مردم رسانیدن باز می‌دارد و این کاری عظیم است (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۴: ۶۷۵).

بنابراین طبیعی است اعمال و رفتار و ارشادهایی که علما و بزرگان صوفیه ترویج و تبلیغ می‌کردند، از جمله توصیه و اقدام به زیارت مشاهد مشرفه و تألیف کتاب‌های دعا و زیارت در این باب و سفارش به خواندن آنها (ابن‌طاووس، ۱۳۷۶: ۵۶/۳) و توجه به عمران و آبادانی مکان‌های منتسب به ائمه اطهار و بزرگان دین، مورد توجه حاکمان و امیران قرار گیرد و خود را در قالب اقدام به زیارت حرم‌ها و عمران و آبادانی این مکان‌ها از طریق سنت حسنه وقف نشان دهد. روشن است بسیاری از امور گفته‌شده در ضمن سنت‌های عاشورایی حاکمان می‌گنجند.

تدوین رساله‌ای درباره فایده زیارت به هنگام زیارت قبر سلمان در مدائن به قلم خواجه رشیدالدین فضل‌الله که در خلال بحث با علامه حلی در این باره و چه بسا در حضور سلطان محمد خدابنده در مدرسه سیار سلطانی<sup>۲۰</sup> شکل گرفت (الویری، ۱۳۸۴: ۱۹۷) در ترغیب و تشویق سلطان برای زیارت مشاهد مشرفه بی‌تأثیر نبوده است. شاهد بر این مطلب انعکاس اعتقادات و اقدامات سلطان محمد خدابنده در رساله تألیفی وی معروف به «فوائد الجایتو» (جعفریان، ۱۳۸۷: ۷۱۰) و زیارت‌کردن از حرم ائمه است (قاشانی، ۱۳۸۴: ۸۸).

در مجموع می‌توان شواهد تأثیر این تناسب و تطابق میان تحولات سیاسی و اجتماعی با سنت‌های عاشورایی حاکمان را در رشد و گسترش کمی تشیع در مناطق مختلف ایران و حوزه‌های تحت نفوذ آن مشاهده کرد. دلیل آن هم شروع رواج تشیع در ایران از اواخر قرن هفتم و آغاز قرن هشتم هجری قمری، پس از سقوط خلافت عباسیان در نیمه این قرن است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۶۹۱)؛ البته بنا به نوشته عبدالجلیل رازی قزوینی صاحب کتاب ارزشمند *التقص مهم‌ترین مراکز تشیع پیش از حمله مغول عبارت بودند از: قم، کاشان، آوه، ساری، ری، ورامین، ارم، استرآباد، سبزوار، دهستان، جریایقان، بخشی از دیار طبرستان، قسمتی از قزوین و نواحی آن، بخشی از دیار خرقان، حران، حلّه، بحرین، کوفه، بغداد و مشهدالرضا (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۴۳)*. گزارش جهانگرد معروف ابن بطوطه از مراکز تشیع پس از حمله مغول نشان‌دهنده ادامه همین وضعیت است (ابن بطوطه، ۱۴۱۷: ۱۳/۲)؛ اما از گزارشی که حمدالله مستوفی از وضعیت شهرهای ایران به لحاظ مذهبی در قرن هشتم هجری قمری می‌دهد، می‌توان نتیجه گرفت حتی در بسیاری از نقاط که اکثریت با اهل سنت بوده، اقلیت شیعی نیز وجود داشته است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۷۷۴-۷۷۶) که به نوعی نشان‌دهنده رشد و گسترش تشیع در این مناطق است.

شاید یکی از بهترین شواهد بر گسترش و رشد تشیع در ایران پس از حمله مغول این سخن محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ق) باشد که به جمعیت فراوان شیعه امامیه در روزگار خودش اشاره کرده است: «إِنَّ طَائِفَةَ الْأَمَامِيَّةِ مَالْتُونَ الْأَفَاقَ وَالْأَصْقَاعَ، فَفَهَاءَ وَشِعْرَاءَ وَادْبَاءَ وَالْمَتَكَلِّمِينَ وَاشْيَاعَ مِنْ أَتْبَاعِ كُلِّ صِنْفٍ مَا لَا يَضْبَطُهُمْ عَدَدٌ لَبِشَرٍ وَلَا يَنْتَهِي بِهِمْ حَصْرٌ لِحَاصِرٍ»<sup>۲۱</sup> (حلی، ۱۴۱۴: ۲۲۶).

شاهد دیگری که می‌توان بر این مدعا آورد سخن عمادالدین طبری در کتاب *تحفة الأبرار* است که خبر از گرویدن مردم به تشیع در زمانه خویش می‌دهد:

قوله تعالى: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ»<sup>۲۲</sup> و قوله «يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا»<sup>۲۳</sup> دلالت می‌کند که شیعه بر حق‌اند؛ زیرا که از جمله ملل باطله به اسلام می‌روند و از اسلام نقل می‌کنند به شیعه، فوج فوج در این مذهب می‌آیند؛ چنان‌که در ایام ما هزار در ملک طبرستان و عراق و نواحی دیگر شیعه شدند و از آنجا به هیچ مذهبی نقل نکردند. پس بدین دلیل معلوم شد که مذهبی که معتمدعلیه و موثوق به است، این مذهب است و باقی ضایع (عمادالدین طبری، ۱۳۷۶: ۱۲۱).

این رشد و گسترش در زمان‌هایی که حاکمان وقت به تشیع می‌گرویدند یا متمایل به تشیع بودند، نمود اجتماعی بیشتری پیدا می‌کرد؛ چرا که همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، سنت‌های عاشورایی حاکمان بیشترین تأثیر را از لحاظ اجتماعی بر توده‌های مردم می‌گذاشتند و طبیعی است که این سنت‌ها در میان حاکمانی که خود شیعه شدند یا گرایش به تشیع دارند، از اهمیت بیشتری برخوردار باشند<sup>۲۴</sup> و در نتیجه سنت‌های عاشورایی تأثیر خود را در سیاست‌های حاکمان نشان دهند و همگام با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، موجبات سرعت‌گرفتن رشد و گسترش تشیع را فراهم سازند.

به همین جهت تشیع سلاطینی مثل غازان‌خان (شوشتری، ۱۳۷۷: ۳۵۶/۲) و به‌خصوص سلطان محمد خدابنده - اولین سلطان امامی‌مذهب که هم‌ت بالایی در نشر مذهب شیعه اثنی عشری از خود نشان داد - تأثیر بسزایی در گسترش تشیع گذاشت، به‌طوری که «مورخان عصر نخست صفوی، به این حقیقت که مسیر شیعه‌شدن ایرانیان به طور گسترده و در حد سیاسی، از زمان سلطان محمد خدابنده ایلخان مغول بوده، واقف بوده‌اند و معمولاً در یاد از شاه‌اسماعیل صفوی و تلاش وی برای نشر تشیع، از خدابنده هم یاد کرده‌اند» (جعفریان، ۱۳۸۷: ۶۹۴).

متمایل بودن جانشینان تیمور، مانند سلطان حسین بایقرا، به تشیع و خواندن خطبه به نام دوازده امام و اظهار آزادانه اعتقادات شیعی بر سر منبرهای رسمی توسط شیعیان (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۰۲۲/۴) گرچه گاهی با مخالفت اهل سنت مواجه می‌شد، حکایت از وجود جمعیت قابل‌اعتنای شیعیان دارد و به طور التزامی نشان‌دهنده رشد و گسترش تشیع در بعضی از مناطق است.

این رشد و گسترش مداوم تشیع در بعضی از مناطق، منجر به شکل‌گیری جنبش گسترده‌ای از تشیع غالی یا به اصطلاح علوی، از شمال سوریه تا سرزمین‌های گسترده آناتولی و از آنجا تا شمال عراق و غرب ایران شد، به طوری که نقل شده است در سال‌های نخستین سده دهم هجری بیشتر از چهارپنجم مردمان ساکن در آناتولی، عقاید شیعی با گرایش صوفیانه داشتند (جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۷/۱) و شاه‌اسماعیل صفوی توانست با بهره‌گیری از این جنبش گسترده و تکیه‌کردن بر بیش از دویست سال نفوذ خاندانی و داشتن هواداران بی‌شمار در عثمانی و ایران (همان) در سال ۹۰۷ ق دولتی را تأسیس



کند که شاید بتوان ادعا کرد مهم‌ترین نتیجه تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در طول این دو قرون و نیم (۶۵۶-۹۰۷ ق)، قدرت‌گرفتن صفویان و تأسیس اولین دولت فراگیر شیعه در ایران بود.<sup>۲۵</sup>

## نتیجه‌گیری

شناسایی و تحلیل سنت‌ها و آیین‌های عاشورایی حاکمان در محدوده جغرافیایی و فرهنگی - تمدنی ایران در مقطع حساس ۶۵۶ تا ۹۰۷ ق، یعنی سال سقوط بغداد و خلافت عباسی و روی کار آمدن مغولان و جانشینان آنان تا تأسیس دولت شیعی و فراگیر صفویه، به کمک چارچوب مفهومی آیین، با توجه به پویایی و تأثیرگذاری مستمر قیام عاشورای امام حسین(ع) و ارزش‌های نهفته در آن در طول تاریخ و در میان جوامع مختلف اسلامی به‌ویژه شیعی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

با استفاده از گزاره‌های تاریخی درباره این مقطع و بر اساس تحلیلی گونه‌شناختی، می‌توان به نمونه‌هایی از سنت‌ها و آیین‌های عاشورایی با ابعاد عملی، فکری و رفتاری در میان نخبگان حاکم، در قالب چهار دسته کلی دست یافت: ۱. تفکر اولویت سادات حسینی برای خلافت و حکومت؛ ۲. ادعای خونخواهی از اهل بیت به‌ویژه امام حسین(ع)؛ ۳. سنت وقف و عمارت و آبادانی در عتبات عالیات و ذکر نام ائمه اطهار در وقف‌نامه‌ها؛ ۴. زیارت از مراقد ائمه اطهار. گفتنی است این سنت‌ها در سیره اهل بیت و در بستری از آیین‌ها و سنت‌های عرفی ریشه داشته‌اند.

علاوه بر این می‌توان ادعا کرد اصل وجود سنت‌های عاشورایی و گستردگی آن در این مقطع تاریخی در میان طبقات مختلف مردم چه نخبگان و چه مردم عادی، یکی از مؤلفه‌های رشد و گسترش تشیع محسوب می‌شود، به‌ویژه آنکه سنت‌ها و آیین‌های عاشورایی حاکمان - که بر اساس تحلیلی گونه‌شناختی با کمک چارچوب مفهومی «آیین» شناسایی شده‌اند - به جهت تأثیرگذاری فوق‌العاده‌شان در بین توده‌های مردم، به این رشد و گسترش، عمق بیشتری بخشیدند، به طوری که می‌توان از تأثیر تناسب تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوران یعنی: ۱. گسترش فعالیت سیاسی - اجتماعی شیعیان پس از حمله مغولان؛ ۲. میل و گرایش بعضی از حاکمان به تشیع؛ ۳. نزدیکی تصوف و تشیع، با سنت‌ها و آیین‌های عاشورایی رایج در جامعه آن روزگار به‌خصوص

چهار سنت عاشورایی مورد توجه حاکمان، سرعت گرفتن رشد و گسترش تشیع در ایران را با توجه به گزارش‌های تاریخی موجود در منابع این دوره نتیجه‌گیری کرد. این رشد و گسترش مداوم تشیع در بعضی از مناطق، در نهایت منجر به شکل‌گیری جنبش گسترده‌ای از تشیع غالی یا به اصطلاح علوی، از شمال سوریه تا سرزمین‌های گسترده آناتولی و از آنجا تا شمال عراق و غرب ایران شد و شاه اسماعیل صفوی توانست با تکیه بر این جنبش گسترده در سال ۹۰۷ ق، دولتی شیعی و فراگیر در ایران تأسیس کند که مهم‌ترین نتیجه تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در طول این دو قرون و نیم (۶۵۶-۹۰۷ ق) شناخته می‌شود. به همین جهت مطالعه و پژوهش در این موضوع، ممکن است به شناخت جدیدی از تاریخ اجتماعی و سبک زیست اجتماعی شیعیان ایران در تعامل با سنت‌های عاشورایی حاکمان بینجامد.

## پی‌نوشت‌ها

### 1. Rituals

۲. البته شاعران غالباً به علما، عرفا و صوفیه وابسته بوده‌اند.

۳. مردم به امیران خود مانند ترند تا به پدران خود.

### 4. Ritualization.

### 5. High Culture.

### 6. Formal Culture.

### 7. Low Culture.

### 8. Popular Culture.

۹. این حکومت‌ها عبارت‌اند از: ایلخانان (۶۵۴-۷۴۴ق)؛ کینخواریه - کندخواریه (۶۳۵-۷۵۰ق)؛ جستانیه (۶۰۶-۸۵۷ق)؛ قراختائیه کرمان - قتلغ خانان - آل براق (۶۱۹-۷۰۳ق)؛ اتابکان یزد (؟-۶۷۳ق)؛ اتابکان شبانکاره (۴۴۸- پس از ۶۶۸ق)؛ سلغریان - اتابکان فارس (۵۴۲-۸۵ق)؛ اتابکان لرستان بزرگ، بنی فضلویه، هزاراسیبون، هزارسپیون (۵۴۳-۸۲۷ق)؛ اتابکان لرستان کوچک، بنی خورشید (۱۰۰۵-۵۹۱ق)؛ پادشاه کرت (۶۴۳-۷۸۴ق)؛ چوپانیان (؟-۷۵۹ق)؛ بنو اینجو (۷۰۳-۷۵۸ق)؛ مظفریان (۷۱۳-۹۵ق)؛ سردباران (۷۳۷-۷۸۳ق)؛ سادات قوامیه، مرعشیان، میربزرگیه (۷۶۰-۱۰۰۵ق)؛ اسحاقیه (؟-۹۹۹ق)؛ جلایریان-ایلکانیان (۷۳۷-۸۳۵ق)؛ خاندان صفی (۷۳۶-۸۱۵ق)؛ قراقویونلوها (۷۸۲-۱۷۴ق)؛ آق‌قویونلوها، بایندریه (۸۰۶-۹۱۴ق)؛ تیموریان (۷۷۱-۹۱۶ق) و حکومت‌های محلی: کاکوان؛ کوشیح؛ هزاراسپی گیلان؛ ناصروندیه (۷۰۶-۷۹۱ق)؛ اسماعیل‌وند؛ انوزوند (۶۵۲-۱۰۳۸ق)؛ خاندان تجاسبی (۷۰۶-پس از ۸۶۳ق)؛ خاندان شیفته (۸۸۲-۱۰۲۷ق)؛ امیران گسکر (خاندان مرداویدوند)؛ چلاویه (قرن هشتم)؛ طغاتموریان گرگان (۷۳۷-۱۱۲ق)؛ مشعشعیان و آل بنجیر شیراز.

تأثیر سنت‌های عاشورایی حاکمان در گسترش تشیع در ایران (۶۵۶-۹۰۷ ق) / ۲۳

۱۰. ر.ک: سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاهشماری و تبارشناسی (باسورت و بدره‌ای، ۱۳۸۱: ۴۶۵-۵۳۴).

۱۱. برای نمونه می‌توان به این مقاله‌ها و کتاب‌ها اشاره کرد: حسین مرادی‌نسب، «دولت سربداران و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در قرن هشتم»، تاریخ در آئینه پژوهش، پیش‌شماره ۴، زمستان ۱۳۸۲؛ محمد انور فیاضی، «تاریخ اجتماعی شیعیان ایران و عراق در نیمه دوم قرن هشتم هجری»، تاریخ در آئینه پژوهش، ش ۱۹، پاییز ۱۳۸۷؛ مجید رباط جزوی، «تاریخ اجتماعی شیعیان ایران و عراق در نیمه اول قرن هشتم هجری»، تاریخ در آئینه پژوهش، ش ۱۴، تابستان ۱۳۸۶؛ سیدعلی حسین‌پور، «تاریخ اجتماعی شیعیان ایران در نیمه نخست قرن نهم هجری»، تاریخ در آئینه پژوهش، ش ۱۶، زمستان ۱۳۸۶؛ محسن الویری، زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه (۶۵۶-۹۰۷ ق)، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴؛ اصغر فروغی ابری، ایرانیان و عزاداری عاشورا (مراسم سوگواری در گذر تاریخ)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸؛ جبار رحمانی، مطالعات جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی مناسک عزاداری عاشورا، تهران: انتشارات خیمه، ۱۳۹۲. ش.

۱۲. إن الله سبحانه و تعالی عوّضَ الحسین (ع) من قتلہ بأربع خصال: جعل الشفاء فی تربته و إجابة الدعاء تحت قبّته و الأئمة من ذرّيته و أن لا یعد أیام زائریه من أعمارهم (ابن فهد حلّی، ۱۴۰۷: ۵۷).

۱۳. مانند ضرب سکه به نام دوازده امام به دستور امیر ولی در مازندران، طغاتی‌مور در آمل، پهلوان حسن دامغانی سربداری و خواجه علی مؤید سربداری (جعفریان، ۱۳۸۷: ۷۸۳)، ضرب سکه به نام دوازده امام به دستور میرزا ابوالقاسم بابر (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۷۸۷/۴)، دستور اسپند میرزا ترکمان قراقویونلو بر ضرب سکه و خواندن خطبه به نام ائمه اطهار (شوشتری، ۱۳۷۷: ۵۷۹/۱)، تخلص سلطان حسین باقرآ به حسینی و گرایش به تشیع (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۲۸/۲)، دعوت حاکمان سربداری از شاعران برای مدح ائمه (صفا، ۱۳۷۸: ۱۵۳/۳).

۱۴. مقصود شهید اول «شمس‌الدین محمد بن مکی بن‌احمد عاملی نبطی جزینی» است.

۱۵. ر.ک: مبحث «ویژه و خاص بودن حضرت امام حسین (ع) در روایات ائمه اطهار» در مقاله «راز ماندگاری قیام عاشورا، تحلیل ارتباطی سیره معصومان» از الویری و رحیمی ثابت، ص ۵۴.

۱۶. إنَّ الحُسینَ ع قُتِلَ مَطْلُومًا مُضْطَّهِدًا نَفْسُهُ عَطْشَانًا هُوَ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابُهُ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶).

۱۷. وَ مَا مِنْ عِبْدٍ شَرِبَ المَاءَ فَذَكَرَ الحُسینَ ع وَ لَعَنَ قَاتِلَهُ إِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ مائةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ مائةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ مائةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ كَانَ كَأَنَّمَا أَعْتَقَ مائةَ أَلْفِ نَسَمَةٍ وَ حَشَرَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَبْلَجَ الوَجْهِ (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۴۲).

۱۸. مثل وقف تیمور بر مرقد امیرالمؤمنین علی (ع) و امام حسین (ع) (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۳۵۹)، نوشتن نام دوازده امام در چاه‌خانه یزد به دستور فاطمه خاتون (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

۱۹. مانند زیارت کردن ایباج اغلان و امیرجلال از سرداران تیمور از مرقد امام حسین (ع) (یزدی، ۱۳۸۷: ۷۳۳/۱)؛ زیارت کردن شاه اسماعیل از مراقد ائمه و انتصاب خادم‌بیک برای اداره امور عتبات (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۹۶/۴).

۲۰. وصف مدرسه سیار سلطانی و اشتیاق سلطان محمد خدابنده به حضور در آن در سفر و حضر و شرکت در مباحثات علمی، در کتاب *تاریخ اولجایتو* نوشته ابوالقاسم عبدالله بن محمد القاشانی منعکس شده است (قاشانی، ۱۳۸۴: ۱۰۷).
۲۱. «امامیان مناطق را از عالم و فقیه و شاعر و ادیب و متکلم و پیروانی از هر گروه، پر کرده‌اند به اندازه‌ای که قابل شمارش نیستند» (جعفریان، ۱۳۸۷: ۶۹۳).
۲۲. نصر: ۱.
۲۳. نصر: ۲.
۲۴. این ادعا با گزارش‌هایی که نویسندگان در همین مقاله در بحث «سنت‌های عاشورایی حاکمان» از اقدامات سلطان محمد خدابنده یا غازان‌خان - که معروف به تشیع یا متمایل به آن هستند - آورده است، قابل اثبات به نظر می‌رسد.
۲۵. ر.ک: کتاب *مسائل عصر ایلخانان* نوشته منوچهر مرتضوی و زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه (۹۰۷-۶۵۶ ق) نوشته محسن الویری.

## منابع

- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۴۱۷)، *تحفة النظائر فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار* (رحلته ابن بطوطه)، تحقیق: عبدالهادی تازی، رباط: مطبوعات اکادیمیة المملكة المغربية، ج ۲، چ ۱.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چ ۲.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶)، *الإقبال بالأعمال الحسنة*، تصحیح: جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۳، چ ۲.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷)، *عدة الداعي و نجاح الساعي*، تصحیح: احمد موحدی قمی، قم: دارالکتب الإسلامی، چ ۱.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ق)، *کامل الزیارات*، تصحیح: عبدالحسین امینی، نجف: دارالمرتضویة.
- باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۸۱)، *سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز باستان‌شناسی اسلام و ایران، چ ۱.
- تتوی، قاضی احمد و آصف‌خان قزوینی (۱۳۸۲)، *تاریخ الفی*، تصحیح: غلام‌رضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، *صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست*، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ج ۱ و ۳، چ ۱.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، *تاریخ تشیع در ایران*، تهران: نشر علم.
- جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۴)، *تاریخ یزد*، تحقیق: ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۳.
- حسینی تربتی، ابوطالب (۱۳۴۲)، *نزوکات تیموری*، تهران: کتاب‌فروشی اسدی، چ ۱.

تأثیر سنت‌های عاشورایی حاکمان در گسترش تشیع در ایران (۶۵۶-۹۰۷ ق) / ۲۵

حلی، نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن (محقق) (۱۴۱۴)، *المسلك في أصول الدين و الرسالة الماتعية*، تحقیق: رضا استادی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.

خنجی، فضل‌الله بن روزبهان (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم‌آرای امینی*، تصحیح: محمداکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب، چ ۱.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب‌السیر*، تحقیق: جلال‌الدین همایی و محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام، ج ۴، چ ۴.

رحمانی، جبار (۱۳۹۲)، *مطالعات جامعه‌شناسی و انسان‌شناختی مناسک عزاداری محرم*، تهران: خیمه، چ ۱.

زمچی اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۸)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تحقیق: سیدمحمدکاظم امام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، تحقیق: عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۴، چ ۱.

شبانکاره‌ای، محمد بن علی (۱۳۸۱)، *مجمع الأنساب*، تحقیق: میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ج ۲، چ ۱.

شوشتری، سیدنورالله بن شریف‌الدین (۱۳۷۷)، *مجالس المؤمنین*، تهران: انتشارات اسلامی، چ ۴.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الأمالی*، تهران: کتابچی، چ ۶.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۵)، *مقدمه‌ای بر تصوف*، تهران: انتشارات سیمرغ وابسته به انتشارات امیرکبیر، چ ۴.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: انتشارات فردوس، ج ۳ و ۴، چ ۸.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الرسل و الأمم و الملوک (تاریخ الطبری)*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ج ۵، چ ۲.

علاء‌الدین جوینی، عطاملک بن بهاء‌الدین محمد (۱۳۸۵)، *تاریخ جهانگشای جوینی*، تصحیح: محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.

عمادالدین طبری، حسن بن علی (۱۳۷۶)، *تحفة الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار*، تحقیق: سیدمه‌دی جهرمی، تهران: میراث مکتوب، چ ۱.

فضل‌الله همدانی، خواجه رشیدالدین (۱۳۵۸ق)، *تاریخ مبارک غازی*، تحقیق: کارل یان، هرتفرد: استنن اوستین.

قاشانی، عبدالله بن علی (۱۳۸۴)، *تاریخ اولجایتو*، تحقیق: مهین همبلی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

قزوینی رازی، نصیرالدین عبدالجلیل (۱۳۵۸)، *بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، تحقیق: محدث اورموی، تهران: انجمن آثار ملی.

گیویان، عبدالله (۱۳۸۵)، «آیین آیینی‌سازی و فرهنگ عامه‌پسند دینی (تأملی در برخی بازنمایی‌های

بصری دینی و شیوہ‌های جدید مداحی»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، س ۳، ش ۵، بهار و تابستان.

مجلسی، محمدتقی (۱۳۷۳)، *لواعصاحبقرانی*، قم: اسماعیلیان.  
مرتضوی، منوچهر (۱۳۸۵)، *مسائل عصر ایخانان*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.  
مستوفی قزوینی، حمدلله (۱۳۶۴)، *تاریخ گزیده*، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: امیر کبیر، چ ۳.  
مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۸۵)، *جامع مفیدی*، تحقیق: ایرج افشار، تهران: اساطیر، چ ۱.  
منهاج سراج جوزجانی، ابو عمرو عثمان بن محمد (۱۳۶۳)، *طبقات ناصری*، تصحیح: عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.

نطنزی، معین‌الدین (۱۳۸۳)، *منتخب التواریخ معینی*، تحقیق: پروین استخری، تهران: اساطیر، چ ۱.  
الویری، محسن (۱۳۸۴)، *زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه (۹۵۶-۹۰۷ ق)*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چ ۱.

الویری، محسن و محمدعلی رحیمی ثابت (۱۳۸۹)، «راز ماندگاری عاشورا تحلیل ارتباطی سیره معصومان»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، س ۱۱، ش ۴۱ و ۴۲، بهار و تابستان.

یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷)، *ظفرنامه*، تحقیق: سیدسعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ج ۱، چ ۱.